

بررسی رابطه سبک های دلبستگی با گرایش به اعتیاد دانش آموزان پسر دوره دبیرستان

مجتبی خادمی احمد آباد^۱، نسترن شریفی^۲

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی

۲. استادیار دانشگاه آزاد واحد رودهن

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه سبک های دلبستگی با گرایش به اعتیاد انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق کل دانش آموزان پسر اول تا سوم دبیرستان های شهر تهران است که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل بودند. به روش نمونه گیری چند مرحله ای ۱۳۵ نفر انتخاب و تست روی آنها اجرا شد. سپس برای هرسبک ۳۰ نفر که بالاترین نمره را در آن سبک داشتند انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان و آمادگی به اعتیاد استفاده شد. پس از تجزیه و تحلیل داده ها به علت تخطی از فرض همسانی واریانس ها از آزمون غیرپارامتریک کروسکال-والیس و آزمون تعقیبی U من-ویتنی استفاده شد. یافته های حاصل از آزمون کروسکال-والیس نشان داد که بین سه سبک دلبستگی (ایمن، اضطرابی و اجتنابی) با گرایش به اعتیاد تفاوت معناداری وجود دارد و نتایج آزمون تعقیبی U من-ویتنی نشان داد که بین سبک های دلبستگی دو به دو با گرایش به اعتیاد هم تفاوت معنادار وجود دارد.

واژه های کلیدی: دلبستگی ایمن، دلبستگی اضطرابی، دلبستگی اجتنابی، گرایش به اعتیاد

مقدمه

امروزه اعتیاد به مواد مخدر به عنوان یکی از مهم ترین معضلات اجتماعی به شمار می رود. وابستگی به مصرف مواد از شایع ترین اختلالات روانی است و یکی از مهم ترین مسائلی است که سلامت اقشار جامعه، به ویژه نسل جوان را مورد تهدید قرار می دهد. کمیته متخصصان تشخیص مواد اعتیاد آور که در سال ۱۹۳۰ تحت نظارت سازمان ملل و به صورت وابسته به سازمان بهداشت جهانی برای دستیابی به تعریفی مناسب و همه جانبه از مواد مخدر تشکیل شد در سال ۱۹۵۰ تعریف زیر را ارائه کرد: اعتیاد به مواد مخدر مسمومیت حاد و مزمنی است که مضر به حال شخص و اجتماع می باشد و زائیده مصرف داروی طبیعی و مصنوعی است که خصوصیات آن عبارتند از :

۱. وجود نیاز مبرم به ادامه استعمال دارو و به دست آوردن آن به هر طریق ممکن.
 ۲. وجود علاقه شدید به ازدیاد میزان دارو.
 ۳. وابستگی روانی یا جسمی به آثار داروهای اعتیاد آور بدین صورت که وقتی دارو به معتاد نرسد آثار روانی و جسمی که به آثار قطع دارو موسوم است، در وی ظاهر شود (کیا و حسین پور، ۱۳۸۶).
- مطالعات فراوانی حاکی از افزایش گرایش دانشجویان به مصارف الکل، سیگار و سایر مواد هستند. علاوه بر افزایش روند مصرف مواد در بین جوانان، سن شروع مصرف مواد نیز کاهش یافته است (شمس الدینی و همکاران، ۱۳۹۶). وجود معتادان به مواد مخدر در جامعه علی رغم هزینه های بسیاری که مصرف مبارزه و برخوردهای قضایی و انتظامی با معتادان گردیده به روشنی مشخص کرده است که این گونه برخوردها و طرح ها، راه حل های قطعی در درمان این معضل مهم نیست. این چنین نتایجی در سایر نقاط جهان نیز به دست آمده است، به همین دلیل در این کشورها تغییرات عظیم و قابل توجهی در تحقیقات و پژوهش های محققان و پژوهش گران به وجود آمده است، به گونه ای که اکنون در این جوامع به اعتیاد به عنوان یک بیماری می نگرند و این عقیده وجود دارد که مبارزه با اعتیاد تنها به وسیله برخوردهای فیزیکی و به سادگی ممکن نیست و به همین دلیل در این کشورها بیشتر بودجه ها به سمت مبارزات پیش گیرانه سوق داده شده است (کیا و حسین پور، ۱۳۸۶).
- یکی از ویژگی های شخصیتی که در الگوهای شخصیتی افراد نقش مهمی را ایفا می کند سبک های دلبستگی است. روان شناسی تحولی پیوند عاطفی را که بین نوزاد و مادر پدید می آید دلبستگی می نامد. بالبی (۱۹۹۶) نظریه دلبستگی را اینطور تعریف می کند که دلبستگی در طول زمان دارای ثبات است و نقش مهمی در بهداشت روانی افراد دارد. دلبستگی ایمن زمانی شکل می گیرد که کودک نگاره دلبستگی خود را پاسخ گو، پذیرا و در دسترس بیابد. وقتی کودک نگاره دلبستگی خود را پاسخگو، مسئولیت پذیر و در دسترس تجربه نکند سبک دلبستگی نایمن اجتنابی پدید می آید و زمانی که نگاره دلبستگی کودک نقشی بی ثبات و غیرقابل پیش بینی در قبال او اتخاذ می کند، سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا شکل می گیرد. راهبردهای کودکانی که سبک دلبستگی نایمن دارند برای غلبه بر عواطف منفی که تجربه می کنند در طیفی از کوشش ها برای بیشینه یا کمینه کردن نیازهای دلبستگی قرار می گیرد. هر دوی این راهبردها ممکن است کودکان را در معرض خطر بیشتر آسیب پذیری روانی قرار دهد چرا که افراد نایمن احتمالاً رویدادها و عواطف منفی بیشتری نسبت به افراد ایمن تجربه می کنند.

سبک دلبستگی نقش مهمی در چگونگی انطباق افراد و نحوه مواجهه با رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد دارد. بر طبق نظریه دلبستگی، یک الگوی ثابت در طول زمان بین کودک و مراقب اولیه شکل می گیرد که منشأ باورها، انتظارات و تاثیرات روابط عاطفی، احساسات و رفتار آینده شخص می شود. بالبی بر این باور بود که هر فرد می تواند خودش و دیگران را براساس الگوی ارتباط فردی به شکل مثبت یا منفی ببیند (رحمانیان و همکاران، ۱۳۹۴).

با اینکه اخیراً محققین علاقمند به بررسی رابطه سبک های دلبستگی و سوءمصرف مواد هستند، با این حال تحقیقات کمی در این زمینه انجام شده. پرداختن به ارتباط این دو، موضوع مهمی است به این دلیل که هر دو به عنوان مفاهیم اصلی شامل تنظیم هیجانی و مهارت های مقابله ای هستند (شیندلر ۱ و همکاران، ۲۰۰۵). یکی از کارکردهای ابتدایی دلبستگی تنظیم تجربه های عاطفی بین فردی است. افراد با سبک دلبستگی ایمن به دنبال حمایت های اجتماعی برای مقابله با استرس های هیجانی هستند، در حالی افراد با سبک دلبستگی ناایمن به دنبال راه دیگری هستند مانند: استفاده از الکل یا مواد مخدر به عنوان راهبرد مقابله ای برای خود تنظیمی هیجانی. این افراد هم نیازمند صمیمیت و هم ترس از آن دارند (توربرگ و لی ورس، ۲۰۰۶). با اینکه به طور نظری در مورد ارتباط سبک های دلبستگی و مصرف مواد بحث شده اما تحقیقات کمی در این زمینه صورت گرفته است (شیندلر و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین یکی از هدف های تحقیق حاضر مقایسه ی گرایش به اعتیاد در سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی است.

بر این اساس فرضیه های این پژوهش شامل یک فرضیه ی کلی و سه فرضیه ی جزئی به شرح زیر است:

فرضیه ی کلی: بین گرایش به اعتیاد در افراد با سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه ی جزئی اول: بین گرایش به اعتیاد افراد سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه ی جزئی دوم: بین گرایش به اعتیاد افراد سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه ی جزئی سوم: بین گرایش به اعتیاد افراد سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی تفاوت معنادار وجود دارد.

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

مقایسه سه سبک دلبستگی با گرایش به اعتیاد از نوع پس رویدادی یا علی مقایسه ای است. جامعه آماری این تحقیق کل دانش آموزان پسر اول تا سوم دبیرستان های شهر تهران که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل هستند می باشد. در این تحقیق گروهی از دانش آموزان پسر دبیرستانی به روش خوشه ای چند مرحله ای انتخاب، به طوری که از شهر تهران ۳ منطقه آموزش و پرورش به صورت تصادف برگزیده و از هر منطقه ۱ دبیرستان و از هر دبیرستان ۳ کلاس (پایه اول و دوم و سوم) انتخاب می شود. در این پژوهش ۱۳۵ نفر انتخاب شد و تست روی آنها اجرا شد، برای بررسی فرضیه از بین آزمودنی ها به ازاء هر گروه ۳۰ نفر که بالاترین نمره را در آن سبک داشتند مشخص و جمعا ۹۰ نفر انتخاب شد.

ابزار پژوهش

مقیاس دلبستگی بزرگسالان (RAAS)^۳. مقیاس دلبستگی بزرگسالان ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کالینز^۴ و رید^۵ تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت. مبنای نظری این آزمون، نظریه دلبستگی است. مقیاس دلبستگی بزرگسالان که چگونگی ارزیابی فرد از مهارت های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می دهد، دارای ۱۸

^۱ . Schindler

^۲ . Fred Arne Thorberg & Michael Lyvers

^۳ . Revised Adult Attachment Scale

^۴ . Collins

^۵ . Read

عبارت است که پاسخ دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت و یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می‌کنند. این پرسشنامه دارای سه زیر مقیاس: وابستگی، که میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران را نشان می‌دهد، زیر مقیاس نزدیکی، که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد و زیر مقیاس اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به هریک از زیرمقیاس‌ها ۶ عبارت اختصاص یافته است. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است. کولینز و رید (۱۹۹۰) نشان دادند که زیرمقیاس‌های نزدیک بودن (C)، وابستگی (D) و اضطراب (A) در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی ۸ ماه پایدار ماندند. با توجه به اینکه مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ است، میزان قابلیت اعتماد به دست آمده، بالا است.

مقیاس آمادگی به اعتیاد (APS-۴۱)^۶. مقیاس آمادگی به اعتیاد با توجه به شرایط روانی-اجتماعی جامعه ایرانی ساخته شده است. این پرسشنامه از دو عامل تشکیل شده است و پرسشنامه دارای ۳۶ عبارت به اضافه ۵ ماده دروغ سنج است. در عامل اول اول (آمادگی فعال) بیشترین ماده‌ها به ترتیب مربوط به رفتارهای ضداجتماعی، میل به مصرف مواد، نگرش مثبت نسبت به مواد، افسردگی و هیجان خواهی است و در عامل دوم (آمادگی منفعل) بیشترین ماده‌ها مربوط به عدم ابراز وجود و افسردگی است. نمره‌گذاری این مقیاس بر روی یک پیوستار از صفر (کاملاً مخالفم) تا سه (کاملاً موافقم) است. فرم خارجی مقیاس آمادگی اعتیاد، یکی از سه زیر مقیاس MMPI-۲ است وید، بوچر، مک کنا و بن پورات (۱۹۹۲)، به نقل از زینالی، وحدت و عیسوی، (۱۳۸۷) ساخته شده است. در ایران زرگر (۱۳۸۵) مقیاس آمادگی به اعتیاد را با توجه به فرهنگ ایرانی ساخت. پایایی در این مقیاس در مطالعه زرگر و غفاری (۲۰۰۹) با آلفای کرونباخ ۰/۹۰ محاسبه گردید. آلفای عامل اول ۰/۹۱ و عامل دوم ۰/۷۵ بود. به همین ترتیب عشرتی (۱۳۸۹) طی پژوهشی با عنوان بررسی روابط ساختاری برخی از عوامل روان شناختی خطرزا و محافظت کننده آمادگی اعتیاد در دانش آموزان سال سوم دبیرستان‌های شهر مشهد از این مقیاس استفاده نمود و پایایی این مقیاس را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای آمادگی اعتیاد کل ۰/۷۰، برای آمادگی اعتیاد فعال ۰/۷۱ و آمادگی اعتیاد منفعل ۰/۶۲ به دست آورد.

یافته‌ها

جدول ۱ جدول شاخص های توصیفی گرایش به اعتیاد در سه سبک دلبستگی را نشان می‌دهد.

جدول ۱ جدول شاخص های توصیفی گرایش به اعتیاد در سه سبک دلبستگی

| معناداری کجی | کجی | انحراف استاندارد | واریانس | میانه | میانگین | |
|-----------------|-------|------------------|---------|-------|---------|----------|
| ۰,۴۲۷ | ۰,۶۵۸ | ۹,۹۴۳ | ۹۸,۸۷۸ | ۳۳,۵ | ۳۲,۵۳۳ | سبک ایمن |

^۶. Addiction Potential Scale

| | | | | | | |
|-------------|--------|------|---------|--------|-------|-------|
| سبک اضطرابی | ۳۷,۷۳۳ | ۳۷,۵ | ۴۰,۶۱۶ | ۶,۳۷۳ | ۰,۱۵۹ | ۰,۴۲۷ |
| سبک اجتنابی | ۴۴,۶ | ۳۸ | ۱۶۷,۵۵۹ | ۱۲,۹۴۴ | ۱,۲۳۹ | ۰,۴۲۷ |

برای بررسی تایید شدن یا نشدن فرضیه کلی اول، از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد. با این که نتایج نشان از معنی دار شدن تفاوت واریانس گروه‌ها بود، ولی به علت تخطی از فرض همگنی واریانس‌ها و معنی دار شدن آزمون لون، نهایتاً این آزمون کنار گذاشته شد و از آزمون غیرپارامتریک کروسکال-والیس استفاده شد. جدول ۲ نتایج آزمون لون را نشان می‌دهد.

جدول ۲ جدول آزمون لون

| سطح معنی داری | درجه آزادی ۲ | درجه آزادی ۱ | آزمون لون |
|---------------|--------------|--------------|-----------|
| ۰,۰۰۲ | ۸۷ | ۲ | ۶,۵۸۲ |

جدول ۳ نتایج تحلیل آزمون غیر پارامتریک کروسکال-والیس مربوط به تفاوت میانگین‌های سبک‌های دلبستگی با گرایش به اعتیاد است.

جدول ۳ جدول نتایج تحلیل آزمون کروسکال-والیس مربوط به تفاوت میانگین‌های سبک‌های دلبستگی با گرایش به اعتیاد

| سطح معنی داری | درجه آزادی | مجذور کای |
|---------------|------------|-----------|
| ۰,۰۰۰۱ | ۲ | ۱۸,۹۸۸ |

جدول ۴ جدول رتبه بندی سه سبک دلبستگی با گرایش به اعتیاد را نشان می دهد.

جدول ۴ جدول رتبه بندی سه سبک دلبستگی با گرایش به اعتیاد

| میانۀ | میانگین رتبه | تعداد | سبک دلبستگی |
|-------|--------------|-------|-------------|
| ۳۳,۵ | ۲۹,۹۲ | ۳۰ | ایمن |
| ۳۷,۵ | ۴۷,۶۲ | ۳۰ | اضطرابی |
| ۳۸ | ۵۸,۹۷ | ۳۰ | اجتنابی |
| ۳۶ | | ۹۰ | کل |

با توجه به جدول ۳ مقدار بدست آمده از آزمون کروسکال-والیس برابر ۱۸,۹۸۸ با درجه آزادی ۲ و سطح معناداری ۰,۰۰۰۱ است، با توجه به جدول ۴ بین میانگین های سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی تفاوت معناداری در رابطه با متغیر وابسته گرایش به اعتیاد وجود دارد. بنابراین این فرض که بین سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی و گرایش به اعتیاد فرزندان تفاوت وجود دارد، تایید شد.

برای بررسی فرضیه های جزئی از آزمون تعقیبی U من-ویتنی استفاده شد و سبک های دلبستگی دوبه دو با گرایش به اعتیاد مقایسه شد. جدول ۵ نتایج آزمون U من-ویتنی مربوط به مقایسه سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی، ایمن و اجتنابی و اضطرابی و اجتنابی با گرایش به اعتیاد را نشان می دهد.

جدول ۵ جدول آزمون U من-ویتنی مربوط به مقایسه دوبه دو سبک های دلبستگی با گرایش به اعتیاد

| P | Z | من ویتنی U | |
|--------|--------|------------|-------------------|
| ۰,۰۰۴ | -۲,۹۱۹ | ۲۵۳,۵ | ایمن و اضطرابی |
| ۰,۰۰۰۱ | -۴,۰۲۷ | ۱۷۹ | ایمن و اجتنابی |
| ۰,۰۴۸ | -۱,۸۹۸ | ۳۱۷ | اضطرابی و اجتنابی |

با توجه به جدول ۵ نتایج نشان داد که بین گروه سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اضطرابی با گرایش تفاوت معنادار وجود دارد ($U=253.5, P=0.004, Z=-2.919$). بنابراین فرضیه جزئی اول تایید شد. با توجه به جدول ۵ نتایج نشان داد که بین گروه سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اجتنابی با گرایش به اعتیاد تفاوت معنادار وجود دارد ($U=179, P=0.000, Z=-4.27$). بنابراین فرضیه جزئی دوم تایید شد. همچنین با توجه به جدول ۵ نتایج نشان داد که بین گروه سبک دلبستگی اضطرابی و سبک دلبستگی اجتنابی با گرایش تفاوت معنادار وجود دارد ($U=317, P=0.048, Z=-1.898$). بنابراین فرضیه جزئی سوم تایید شد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر پاسخ به این سوال بود که آیا بین سبک دلبستگی با گرایش به اعتیاد تفاوت معناداری وجود دارد؟ نتایج نشان داد که تفاوت معنی داری بین سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی وجود دارد ($\chi^2=18.988, df=2, P=0.001$). نتایج آزمون کروسکال-والیس مشخص کرد که سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و ناایمن با گرایش به اعتیاد رابطه معناداری دارند اما تاثیر کدام گروه بیش تر یا کم تر است را مشخص نمی کند. به منظور مشخص کردن تاثیر این سه سبک از آزمون تعقیبی U من-ویتنی استفاده شد. در ابتدا دو گروه سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی با هم مقایسه شدند. نتایج نشان داد که بین گروه سبک دلبستگی ایمن ($N=30, MD=33.5$) و سبک دلبستگی اضطرابی ($N=30, MD=37.5$) با گرایش تفاوت معنادار وجود دارد ($U=253.5, P=0.004, Z=-2.919$). با توجه به نمرات به دست آمده افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی گرایش بیش تری نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی ایمن به اعتیاد دارند. این نتیجه با یافته های کاسل و همکاران (۲۰۰۷)، نتایج شمس الدینی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. سپس دو گروه بعدی یعنی سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی با هم مقایسه شدند. نتایج نشان داد که بین گروه سبک دلبستگی ایمن ($N=30, MD=33.5$) و سبک دلبستگی اجتنابی ($N=30, MD=38$) با گرایش تفاوت معنادار وجود دارد ($U=179, P=0.000, Z=-4.27$). با توجه به نمرات به دست آمده افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی گرایش بیش تری نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی ایمن به اعتیاد دارند. این نتیجه با یافته های شیندلر و همکاران (۲۰۰۵)، توربرگ و لی ورس (۲۰۰۶) همسو است. نهایتاً دو گروه آخر یعنی گروه سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با هم مقایسه شدند. نتایج نشان داد که بین گروه سبک دلبستگی اضطرابی ($N=30, MD=37.5$) و سبک دلبستگی اجتنابی ($N=30, MD=38$) با گرایش رابطه معنادار وجود دارد ($U=317, P=0.048, Z=-1.898$). با توجه به نتایج به دست آمده افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی گرایش بیش تری نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی دارند. این نتیجه با یافته های توربرگ و لی ورس (۲۰۰۶) همسو است و با یافته های کارسپرس و همکاران (۲۰۰۵)، شمس الدینی و همکاران (۱۳۹۶) ناهمسو است. تحقیق حاضر نشان داد که بین سبک های دلبستگی و گرایش به اعتیاد تفاوت وجود دارد و افراد با سبک دلبستگی ایمن گرایش به اعتیاد کم تری نسبت به افراد با سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی دارند. این نتیجه با یافته های گیوی و مجرد (۱۳۹۴)، خیری و همکاران (۱۳۹۲)، جونز (۲۰۰۹) همسو است.

علت نتایج حاصل شده را می توان در مطالعه توربرگ و لی ورس یافت که افراد با سبک دلبستگی ایمن به دنبال حمایت های اجتماعی برای مقابله با استرس های هیجانی هستند، در حالی که افراد با سبک دلبستگی ناایمن به دنبال راه دیگری هستند مانند: استفاده از الکل یا مواد مخدر به عنوان راهبرد مقابله ای برای خود تنظیمی هیجانی. گیوی و مجرد (۱۳۹۴) بیان می کنند که راهبردهای کودکانی که سبک دلبستگی ناایمن دارند برای غلبه بر عواطف منفی که تجربه می کنند در طیفی از کوشش ها برای بیشینه یا کمینه کردن نیازهای دلبستگی قرار می گیرد. هر دوی این راهبردها ممکن است کودکان را در معرض خطر بیشتر آسیب پذیری روانی قرار دهد چرا که افراد ناایمن احتمالاً رویدادها و عواطف منفی بیشتری نسبت به افراد ایمن

تجربه می کنند همچنین شواهد علمی حاکی از آن است که بین دلبستگی با آسیب شناسی روانی در دوره کودکی، نوجوانی و بزرگسالی رابطه وجود دارد. سبک دلبستگی قادر به پیشبینی مشکلات صمیمیت و عملکردهای بین فردی و درون فردی در افراد سوءمصرف کننده مواد مخدر است. شمس الدینی و همکاران (۱۳۹۶) بیان می کنند نوجوانانی که تعامل کمتری با والدین دارند و دارای دلبستگی ناایمن هستند، مشکلات رفتاری بیشتری را نشان می دهند. این امر می تواند زمینه های جهت گرایش آنان به سمت رفتارهای ضدا اجتماعی و بزهکارانه باشد. به نظر می رسد که افراد ناایمن برای فرونشانی عواطف، احساسات منفی و رویدادهای آسیب زایی که تجربه می کنند، بیش از افراد ایمن از رفتارهای ضدا اجتماعی از جمله سوء مصرف مواد به عنوان یک مکانیز خود درمانی استفاده می کنند. بر اساس نظریه کنترل اجتماعی رفتار انحرافی با سطح پایین دلبستگی و تعهد به جمع مثل جمع خانواده به وجود می آید (بارت و ترنر، ۲۰۰۵).

۱. اجرای این پرسشنامه ها در مدارس به علت تاثیر همسالان توأم با مقدار قابل توجهی از خطاست. پیشنهاد می شود که اجرای این قبیل آزمون ها به صورت کیفی با آزمون و مصاحبه ساختار دار هر دو با هم انجام گیرد.
۲. در این پژوهش سبک های دلبستگی در ارتباط با گرایش به اعتیاد مورد بررسی قرار گرفتند، برای تحقیقات بعدی پیشنهاد می شود عوامل فراشناخت و تاثیر دوستان در رابطه با اعتیاد مورد بررسی قرار گیرند.
۳. با توجه به تغییرات دنیای امروز به نظر تفاوت جنسیتی در خیلی از مسائل نقش قابل ملاحظه ای ندارد. پیشنهاد می شود این پژوهش بر روی جامعه دختران هم اجرا شود.

منابع

۱. کیا، ع. حسین پور، ج. (۱۳۸۶). بررسی نحوه نگرش رسانه ها به اعتیاد. فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره اول.
۲. شمس الدینی، ل. توحیدی، ا. عسکری زاده، ق. (۱۳۹۶). روابط علی سبک های دلبستگی، احساس تنهایی و عزت نفس با آمادگی به اعتیاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، تابستان ۱۳۹۶.
۳. گیوی، ح. مجرد، آ. (۱۳۹۵). پیش بینی گرایش به اعتیاد با استفاده از سبک دلبستگی و تکانشگری. مجله سلامت و مراقبت، سال هجدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۵.
۴. رحمانیان، م. زمانی، م. علی بازی، ه. رابطه بین سبک دلبستگی و نگرش به مواد: نقش تعدیل کننده ویژگی های شخصیت. مجله اعتیاد پژوهی، شماره ۳۳. بهار ۱۳۹۴.
۵. خیری، ط. عبداللهی، م. شاهقلیان، م. (۱۳۹۲). مقایسه هوش هیجانی، سبک دلبستگی و عزت نفس در افراد معتاد و غیر معتاد. فصلنامه علمی-پژوهشی سلامت. سال دوم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۲.

References

۱. Bowlby J. Attachment and Loss. London Hogarth Press ۱۹۹۶.
۲. Schindler, A. Thomasius, R. Sack, P. Gemeinhardt, B. Kustner, U. Eckert, J. (۲۰۰۵). Attachment and substance use disorders: A review of the literature and a study in drug dependent adolescents. Attachment & Human Development, September ۲۰۰۵; ۷(۳): ۲۰۷ – ۲۲۸.

۳. Thorberg, F. Lyvers, M. (۲۰۰۶). Attachment, fear of intimacy and differentiation of self among clients in substance disorder treatment facilities. *Addictive Behaviors* ۳۱, ۲۰۰۶, ۷۳۲-۷۳۷.
۴. Caspers, K. Cadoret, R. Langbehn, D. Yucuis, R. Troutman, B. (۲۰۰۵). Contributions of attachment style and perceived social support to lifetime use of illicit substances. *Addictive Behaviors* ۳۰, ۲۰۰۵, ۱۰۰۷-۱۰۱۱.
۵. Kassel, J. Wardle, M. Roberts, J. (۲۰۰۷). Adult attachment security and college student substance use. *Addictive Behaviors* ۳۲ (۲۰۰۷) ۱۱۶۴-۱۱۷۶.
۶. Jones, R. (۲۰۰۹). Relationships Between Attachment Styles, Offense History, and Substance Abuse in Jail Populations. Regent University, ProQuest Dissertations Publishing, ۲۰۰۹. ۳۳۷۴۷۷۸.
۷. Barret, A. Turner, R. (۲۰۰۵). Family structure and substance use problems in adolescence and early adulthood: examining explanations for the relationship. *Addiction*, ۱۰۱, ۱۰۹-۱۲۰.